

**جر خش و هویشاری جریانات سیاسی**



**کمال‌الدین پیرموزد**  
نماینده سابق مجلس

به نظر می‌رسد هر ملت و حاکمان آن و همچنین هر گروه و جریانات فکری جامعه، می‌تواند و باید هرزگامی، نسبت به اعمال و بینش‌های خود، در گذشته و حال و به‌ویژه اکنون، تحول در اندان و موضوع مراقبه، محاسبه، بازنگری و تصحیح و اصلاح را داشته باشد. اصل بر تری و اصالت حقیقت و هسته مسائل متعدد مهم ایجاب می‌کند که در ادامه همین موضع، روند اصلاح یک اردوگاه بزرگ سیاسی، حتی با تغییرات بنیادی در بینش‌ها و سیاست‌ها هم پیش برود. به‌خصوص اگر منافع ملک و ملت صرفاً هدف باشد و نتیجه‌آرزیایی گذشته‌ها، چندان مثبت و رضایت بخش نبوده باشد. البته برای کشتی‌بانی هر سیاستی نو و دیگر بدیهی است بایستی کشتی‌بانان جدید عهده‌دار اعمال و اجرای سیاست دگر شوند. اگر فرضا در جریان یک حرکت اصلاحی، افراطی‌هایی صورت بگیرد، در جبران افراط‌ها و افراطی‌گری‌ها، آیا نفعی مفاد مواد قانون اساسی کشور نیز می‌توان پرداخت و ارزش‌ها و آرمان‌ها و دعای و خاصه منافع ملت را می‌توان نادیده گرفت؟ بی‌تردید بی‌اعتنایی نسبت به چرخش‌های سیاسی – اقتصادی توسط مسئولان یا جریانات فکری، یا عدول از آن متضمن نفعی وجود تاریخی واجتماعی یک ملت و بی‌توجهی به خواست ملی و نیازهای سرزمینی است و لذا آن را به عنوان یک اصل متعارف در نوع تفکر و جبهه‌گیری سیاسی – اقتصادی واجتماعی می‌شناسم و این حقیقت را نه امثال من، که دل در گرو توسعه‌ی ایران و تعالی ایرانیان داریم که تمام تجربه تاریخی، تفکر منطقی و حکمت اجتماعی ملت‌ها درورای تمام مذاهب و مسالک اجتماعی، تأیید می‌نمایند. بنابراین اول اینکه هرگونه بازسازی و تغییر و تحول در سیاست‌ها، تنها زمانی مشروعیت خواهند داشت که نسبت به این حقیقت پایبند و متعهد باشند و دوم اینکه در قبال حقیقت‌گو، کسی گارد نگیرد تا شاهد ترقی ایران و رشد رفاه عموم وطنان نازنین خود باشیم. حق نیست باخود حق‌پنداری و بینش‌ها و رفتارهای سلیقه‌ای و افراطی که ملتی تاریخی، کهن و صاحب‌فضیلت و استعدادهای انسانی طبیعی فراوان، حامل هویت و فرهنگی عظیم و افتخارآمیز، مدنیت بسیار درخشان، ملتی که در گذشته تاریخی خویش ملزومات و ارغمان‌هایی به جامعه بشریت ارائه داده است، دچار آسیب شود. بلکه باید در کنار ملل و امت‌های دیگر جامعه بشری باقی بماند و فعالانه، با مشارکت موثر همه منابع انسانی کشور با سابق متعدد و ایرانیان وطن پرست و دلسوزان انقلاب و صاحبان‌سیک‌های متعدد زندگی جامعه و اقوام غیور ایرانی، در کاروان تعالی و ترقی بشری شرکت جست و در کنار آن، آثار، مهار تورم کم‌رشد و ارتقای کیفیت سطح زندگی عموم هموطنان را فراهم آورد. پر واضح است که هرگونه تغییر و تحول و تصحیح در بینش‌ها و روش‌ها، هرگز نباید موجب ترک در وحدت ملی و تعمیق شکاف‌های طبقاتی و تضعیف سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد سوزی‌ها و ناامیدی‌ها و خروج نخبانان و سرمایه‌های کشور و مهم‌بینان گردیده و گسترش امتیازات گروهی و نفی اشتراک‌اقتشار مفید به استقلال و تمامیت و توسعه کشور و هویت ملی گردد، چراکه ورود این خصال زینبار در هر جامعه با تحریم و گاردگیری جریانات سیاسی، آن را منته‌الزوال خواهد ساخت.

**خبر**

حسین راغفر:

**تعادل عادی زندگی بهم خورده است**

یک اقتصاددان و پژوهشگر حوزه فقر اظهار داشت: خودکشی نوعی خودتخریبی و از مشخصه‌های استیصال است؛ خودتخریبی در شرایط جامعه ما به دلیل ناتوانی در پاسخگویی به تأمین نیازهای اساسی شکل گرفته است. مسأله خودکشی که یک شکل حاد از استیصال است، حسین راغفر اقتصاددان و درباره تأثیر بحران‌های اقتصادی بر وضعیت اجتماعی گفت: مردم در قبال گرانی‌ها به واگذاری روی آورده‌اند. تا مدتی بعد از جنگ در خانواده فقط سرپرست کار می‌کرد. پس از افزایش قیمت‌ها در بسیاری از موارد زن و مرد با هم کار می‌کردند تا بتوانند سبد قبلی را تأمین کنند. کم‌کم ناچار شدند دو شیفته کار کنند یا به چند شغلی روی آورده‌اند و بیرون از کار و در هر فرصتی کار کنند. پیامد این به وجود آمدن یک شکاف نسلی بود. باید ریشه این شکاف و اختلاف را در مشکلات اقتصادی که در خانواده‌ها ایجاد شده جست‌وجو کنیم. وی افزود: خانواده‌ها با مشکلات زیادی برای تأمین حداقل نیازهایشان روبه‌رو بوده‌اند؛ این باعث شد آستانه تحمل خانواده‌ها کاهش یافته و خشونت خانوادگی گسترش و رواج پیدا کرد که نماند آن هم رشد طلاق در جامعه است؛ همه اینها واکنش‌های مستقیم به آسیب‌های معیشتی هست که به مردم و خانواده‌ها وارد شده است. راغفر واکنش مردم به وضع موجود را نوعی استیصال تعبیر کرد و ابراز داشت: این به این معناست که مردم چاره‌ای جز واگذاری امکانات خود ندارند. وقتی که فشار اقتصادی زیادی می‌شود خانواده‌ها دست به حذف اقلامی مانند کالاهای فرهنگی زنند. از یک جایی به بعد کالاهای اساسی مثل الگوی مصرف غذا هم در سبد مصرفی دستخوش تغییر شد. مثلاً سبب زمینی جایگزین خرید گوشت شد. اثر این روی سلامت و رشد افراد خیلی واضح بوده است. این استاد دانشگاه ضمن تأکید به اینکه ناتوانی جمعیت بزرگی از خانوارهای کشور در تأمین کالاهای ضروری موجی از خشم و ناراضی را به وجود آورده است، گفت: پایین آمدن آستانه تحمل جامعه به خصوص در شرایط کنونی بسیار خطرناک است. در پی سقوط قشر متوسط به پایین، طبقات زیرین هم به پایین‌تر سقوط می‌کنند؛ اینها همه فرصتی برای آسیب‌های بیشتر اجتماعی هستند. وی در ادامه افزود: در یکی دو سال اخیر قیمت کتاب به طرز بی‌سابقه‌ای رشد کرده و در پی آن هم از سبد مصرفی استادی دانشگاه و محققین حذف شده است. این تأثیر مستقیم روی فرهنگ جامعه و رشد علم و حوزه فناوری در کشور دارد. این پژوهشگر حوزه فقر ضمن اشاره به اینکه تعادل عادی زندگی مردم به هم خورده است، افزود: این عدم تعادل موجب به وجود آمدن آسیب‌های بسیاری جدی‌تری می‌شود و شکاف فرهنگی در جامعه را گسترش می‌دهد. در نهایت هم فاصله مردم، محققین و مسئولان بیشتر می‌شود. راغفر خودکشی را نوعی خودتخریبی از مشخصه‌های استیصال می‌داند؛ او در این باره به دیده‌بان ایران گفت: خودتخریبی در شرایط جامعه ما به دلیل ناتوانی در پاسخگویی به تأمین نیازهای اساسی شکل گرفته است. مسأله خودکشی که یک شکل حاد از استیصال است؛ این پدیده قابل شناسایی است و ما قبلاً هم اخطارهای لازم را در این باره داده‌ایم.



**سعید فائق:**  
**نگران به حاشیه رانده**  
**شدن ورزش هستم**

**دولت به دلیل مشکلات اقتصادی از ورزش غافل شده است**

**عتماد به بخش خصوصی اعتبار بین‌المللی ورزش کشور را بالا می‌برد**

**عیار واقعی مدیریت ورزش در حل چالش‌های کنونی مشخص می‌شود**

**آرمان ملی – احسان انصاری:** ورزش کدام اولویت دولت سیزدهم است؟ آیا مشکلات اقتصادی و بین‌المللی باعث نشده دولت از ورزش غافل شود؟ «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با مهندس سعید فائق، معاون اسبق سازمان تربیت‌بدنی و از چهره‌های شاخص ورزش کشور گفت‌وگو کرده است. فائق معتقد است: «افزایش آمار مهاجرت و درخواست پناهندگی ورزشکاران، عدم ورود تکنولوژی مدرن به ورزشگاه‌ها و از همه مهم‌تر نارضایتی هواداران باعث شده که مدیریت ورزش کشور در معرض سؤال‌ها و انتقادات مختلفی قرار داشته باشد.» در ادامه حاصل این گفت‌وگورامی خوانید.

**دولت سیزدهم چه رویکردی نسبت به ورزش داشته است؟ آیا دولت موفق شده گام‌های جدی برای تقویت زیرساخت‌های ورزش کشور بردارد؟**

بخش مهمی از چالش‌های ورزش کشور به این دولت ارتباط ندارد و در گذشته نیز وجود داشته است. در موضوع پناهندگی ورزشکاران اگر به گذشته نگاه کنیم متوجه می‌شویم این وضعیت در دولت آقای روحانی نیز وجود داشت و برخی از ورزشکاران ما با پرچم دیگر کشورها در المپیک شرکت کردند که اتفاق ناخوشایندی برای ورزش کشور بود. واقعیت این است که نه موقعیت‌های حاصل شده و نه کمبودها و چالش‌های کنونی را نمی‌توان به‌پای عملکرد دولت سیزدهم نوشت بلکه ریشه در گذشته دارد. عیار واقعی مدیریت ورزش در حل چالش‌های کنونی مشخص خواهد شد و به همین دلیل باید متصفانه به قضیه نگاه کرد و منتظر ماند که دولت و وزارت ورزش در زمینه چالش‌های کنونی در نهایت چه تصمیمی خواهند گرفت.

**برخی مشکلات کنونی ریشه در گذشته دارد، ما از رویکردها و سیاست‌هایی که وزارت ورزش در این مدت در پیش گرفته می‌توان چشم‌انداز آینده را تبیین کرد. آیا با وضعیت موجود چشم‌انداز روشنی پیش روی ورزش کشور می‌بینید؟**

از هر نظر که به وضعیت مدیریت آقای سجادی کنیم ایشان را باید عصاره ورزش کشور به شمار آورد که در زمینه‌های مختلف ورزشی فعالیت کرده است. آقای سجادی از جنس ورزش است و خودش به‌عنوان ورزشکار در المپیک حضور داشته است. البته حل برخی مشکلات در اختیار آقای سجادی نبوده است. آقای سجادی قصد داشت اقداماتی انجام دهد که در کوتاه‌مدت برخی از مشکلات را حل کند و یا مانع از مشکلات جدید شود. با این‌وجود مشکلات اقتصادی و کمبود اعتبارات باعث شد که ایشان شرایط انجام چنین کاری را نداشته باشد و به همین دلیل مشکلات همچنان باقی ماند.

**اگر عملکرد آقای سجادی را با دیگر مدیران دولت مقایسه کنید آیا عملکرد ایشان را قابل قبول می‌دانید؟**

من معتقدم در مدتی که از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد اگر مقایسه کنیم عملکرد آقای سجادی نسبت به دیگر دستگاہ‌ها بهتر بوده است. به‌عنوان مثال اگر به نرخ دلار دقت کنیم متوجه می‌شویم که اتفاقاتی در این زمینه رخ داده که خوشایند مردم نبوده است. مشکلات را حل نکرده است. در این مدت قیمت کالاهای موردنیاز مردم افزایش داشته و وضعیت معیشتی مردم بهبود پیدا نکرده است. مهم‌ترین فایده ورزش برای جامعه تولید شادی است و مدیریت ورزش کشور باید برای مردم شادی و نشاط تولید کند. حتی اگر عملکرد سجادی را با دستگاہ‌های مرتبط مانند فرهنگ و هنر مقایسه کنیم باید عنوان کرد که عملکرد وی بهتر بوده و دستاوردهای بهتری به همراه داشته است. من معتقدم اگر از

سجادی حمایت شود شرایط بهتر از گذشته نیز خواهد شد. به‌حال ما بازی‌های آسیایی و مسابقات مهم جهانی را در پیش داریم. از سوی دیگر اگر وضعیت پرسپولیس و استقلال مشخص شود و این دو باشگاه بزرگ کشور به بخش خصوصی واگذار شود تا از این وضعیت بالاتر کیفی خارج شود بسیاری از دغدغه‌های اهالی ورزش کاهش پیدا می‌کند و انشالله... موفقیت‌های بیشتری در آینده در انتظار ورزش کشور باشد. واقعیت این است که عیار واقعی مدیریت ورزش کشور در حل چالش‌های کنونی و عبور عالمانه از آنها مشخص می‌شود. بدون تردید در شرایطی که وزیر ورزش بتواند از این چالش‌ها عبور کند می‌تواند نمره قابل قبولی در مدیریت ورزش به دست بیاورد و در غیر این صورت چالش‌ها شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد.

**بیشتر وقت و انرژی دولت صرف رسیدگی به مشکلات اقتصادی و بین‌المللی شده است. آیا در این میان ورزش مورد غفلت قرار نگرفته است؟**

در ورزش علائمی وجود دارد که نشان می‌دهد نگاه یک دولت به ورزش به چه صورت است و آیا در اولویت‌های نخست و حیاتی دولت قرار دارد یا خیر. ورزش و جوانان در وزارت ورزش، دو شورا دارند که در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند. اگر دولت توجه جدی به موضوع ورزش داشت باید شورای عالی ورزش و شورای عالی جوانان تشکیل می‌شد و تصمیمات جدیدی اتخاذ می‌کرد. این در حالی است که هیچ‌کدام از این شوراهای تشکیل نشده است. در گذشته به پیشنهاد وزیر ورزش پنج نفر متخصص در این شورا حضور پیدا می‌کردند و برای آنها حکم صادر می‌شد، اما این احکام

**اگر به نرخ دلار دقت کنیم متوجه می‌شویم که اتفاقاتی در این زمینه رخ داده که خوشایند مردم نبوده است. مشکلات را حل نکرده است. در این مدت قیمت کالاهای موردنیاز مردم افزایش داشته و وضعیت معیشتی مردم بهبود پیدا نکرده است. مهم‌ترین فایده ورزش برای جامعه تولید شادی است و مدیریت ورزش کشور باید برای مردم شادی و نشاط تولید کند. حتی اگر عملکرد سجادی را با دستگاہ‌های مرتبط مانند فرهنگ و هنر مقایسه کنیم باید عنوان کرد که عملکرد وی بهتر بوده و دستاوردهای بهتری به همراه داشته است.**

دفاع از نظام است و هر کس که خود را داخل نظام تعریف می‌کند، می‌کوشد که انتخاباتی پرشور برگزار شود. البته این را هم بگویم که حدود هشت‌ماه تا انتخابات فرصت باقی است و حدود سه‌ماه هم تا آغاز ثبت نام نامزدهای انتخابات و هنوز فرصت هست تا افراد، گروه‌ها و احزاب درباره چگونگی ورودشان به انتخابات تصمیم بگیرند. «این تحلیلگر مسائل سیاسی همچنین گفت: ما بیشترین تعداد حزب ثبت‌شده در میان کشورها، مختلف جهان را داریم، اما متأسفانه احزابی که بتوانند انتخابات را تحت تأثیر خود قرار دهند، کم داریم. من تصور می‌کنم در این دوره انتلاقی میان اصولگرایان معتدل و مستقلین و اصلاحی‌ها وجود آید. تا پیش از اینها مستقلین به

هنوز خط و ربط‌های انتخاباتی جناح‌های سیاسی روشن نشده است و مشخص نیست که هر یک از سه جریان کشور یعنی اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و مستقل‌ها با چه آرایشی وارد انتخابات می‌شوند. یک فعال و تحلیلگر سیاسی، درباره این موضوع اظهار داشت: دو جریان سیاسی یعنی اصولگرایان و مستقلین فعالیت‌های انتخاباتی خود را آغاز کرده‌اند؛ یعنی سنگتال‌هایی از آنها در جامعه دیده می‌شود، اما تا ایتجای کار نشانه‌ای از فعالیت اصلاح‌طلبان برای انتخابات مشاهده نمی‌شود. مهرداد لاهوتی بیان کرد: من تصور می‌کنم همه جریان‌ها از جمله اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت خواهند کرد زیرا همه می‌دانند که مشارکت بالاتر انتخابات به معنای

عنوان یک جریان مجزا در نظر گرفته نمی‌شد، اما امروز جدای از اصولگرایی و اصلاح‌طلبی، مستقلین هم یک جریان اصلی سیاسی در کشور هستند. لاهوتی در پایان در پاسخ به این پرسش که علی لاریجانی را می‌توان در زمره نیروهای اصولگرا دانست یا مستقل گفت: «من خبری ندارم که آقای لاریجانی عزمی دارد به سمت نامزدی در انتخابات دارد یا نه. قضاوت درباره او هم سخت است، اما من باتوجه به دوازده‌ساله که با او کار کردم، می‌گویم که او شخصیتی فراتجناحی است و بیش از توجه به جریان‌های مرسوم به فکر منافع ملی است. او را نمی‌توان در جناح خاصی جتجاندا اما باتوجه به روحیات و تفکراتش به نظر می‌رسد به مستقل‌ها نزدیک‌تر باشند.

**نگره**

ایران و آمریکا تلفن فرمز از تباطوی راشکل داده‌اند؟

**توافق نانوشته به معنای مدیریت تنش است**

عبارت «توافق نانوشته موقت» بین ایران و ایالات متحده از ماه‌ها قبل توسط برخی تحلیلگران سیاسی، منابع و رسانه‌ها مطرح شده است، حال تحولاتی جدید از جمله تعلیق رابرت مالی از سمت نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، سرفصل تازه‌ای از گمانه‌زنی‌ها را گشوده است. المانی‌تور در گزارشی مدعی شده است: تعلیق رابرت مالی، مصادف شده با دور جدید مذاکرات میان ایران و آمریکا. در گزارش‌هایی مشابه، برخی دیگر از رسانه‌ها نیز مدعی اجرای بخش قابل توجهی از توافق غیرمکتوب ایران و آمریکا شده و اشاره کرده‌اند که ایران سرعت غنی‌سازی با خلوص بالای اورانیوم را کاهش داده است. یکی از مهم‌ترین علل این مدعاها نزدیک بودن انتخابات آمریکا عنوان شده است، اما پرسش‌هایی نیز مطرح است، از جمله اینکه، قرار است توافق نانوشته آمریکا و ایران چگونه اجرا شود، این توافق از سوی کشورهای اروپایی چگونه ارزیابی می‌شود و پیامدهای این توافق برای طرفین چگونه خواهد بود؟

◀ **مدیریت تنش**  
یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: آنچه که اکنون بین ایران و آمریکا شکل گرفته، شبیه به خط تلفن فرمزی است که بین آمریکا و شوروی در زمان جنگ سرد وجود داشت. من پیشنهاد مشابهی را در مجلس دهم ارائه کردم که یک خط سرخ و ارتباطی مستقیم بین ایران و آمریکا برقرار کنیم تا تنش‌فی‌مابین را مدیریت کنیم. چیزی که تحت عنوان توافق نانوشته مطرح می‌شود، در واقع شکل‌گیری همین خط سرخ بین ایران و آمریکاست. حشمتا... فلاح‌ت‌پیشه گفت: ایران و آمریکا توافقی را شکل نداده‌اند، اما در حال مدیریت تنش موجود در رابطه خود هستند؛ بنابراین می‌بینم که از یکسو، سخت‌گیری‌های آمریکا برای فروش نفت ایران کاهش پیدا می‌کند و از سوی دیگر، ایران سعی می‌کند تنش‌ها را مدیریت کند. به همین دلیل است که تنش‌های موجود در خلیج فارس منجر به چالش نمی‌شوند. مجموعه این شرایط به این معناست که توافق نانوشته در عمل یک «خط ارتباطی فرمز» را شکل داده‌اند تا تنش‌ها را کنترل کنند. این موضوع از سیاست هسته‌ای ایران تا سیاست تحریمی ایالات متحده را در برمی‌گیرد. وی افزود: شکل‌گیری این خط ارتباطی فرمز مفهومی ندارد به جز اینکه دو کشور در هر زمانی روابط مستقیم و غیر مستقیمی (عدد تا به شکل محرمانه) با یکدیگر دارند، درباره تنش‌ها صحبت می‌کنند و مانع از تصاعد بحران می‌شوند. ولی توافق نوشته شده‌ای نیز شکل نمی‌گیرد. من معتقدم یکی از شاخص‌های مهمی که مورد توجه واقع نشد، واکنش آقای لاوروف، وزیر خارجه روسیه بود که حاکی از نارضایتی وی از شکل‌گیری رابطه بین ایران و آمریکا بود. وی دقیقاً گفت که برجام قابل احیائست، اما ایران و آمریکا در حال مذاکره هستند. درواقع وی با این سخنان ضمن اعلام نارضایتی روسیه، گفت که ایران و آمریکا در حال کنترل تنش‌ها هستند. من معتقدم آمریکایی‌ها به دلایل امنیتی و ایران نیز به دلایل اقتصادی تنش را مدیریت می‌کنند. معنای مدیریت تنش این نیست که طرفین توافق جدیدی شکل داده‌اند بلکه به معنای همان خط فرمز از تباطوی است. مذاکرات طرفین در این نوع رابطه، محدود، مقطعی و موضوع محور است. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم، تصریح کرد: در شرایطی که عملاً برجام قابل احیا نیست، این نوع ارتباط، حد مقدوری است که ایران و آمریکا با آن دست یافته‌اند. تحلیلگر سیاسی گفت: چون ایران باتاوی مذاکره مستقیم با آمریکا مواجه است، با دست خود، طرفین برجام را وارد میدان کرد. ابتدا رویکیای اروپایی، سپس چین و روسیه، نتیجه چه شد؟ اکنون اروپا و روسیه، نارضایتی‌های مشترکی دارند. آنها از شکل‌گیری یک خط فرمز تنش زدایی یا یک میز بحران بین ایران و آمریکا، ناراضی‌اند، چراکه در ساز و کار برجامی که برایشان منافی تعریف کرده بود شکست خورده‌اند و حرکت ایران و آمریکا به سمت تنش‌زدایی در جانبه، منافع این کشورها را تأمین نمی‌کند. موضع لاوروف، نه تنها شامل غذخ‌خواهی از همراهی با ادعای دروغین و غیر حقوقی اماراتی‌ها نبوده، بلکه شامل ابراز نارضایتی از مذاکره ایران و آمریکا بود.

◀ **تنها راهکار خروج از بن بست روابط ایران و آمریکا**  
مدیرکل سابق خاورمیانه وزارت امور خارجه بیان کرد: وضعیت فعلی ایران و آمریکا دقیقاً یک شرایط بن‌بست است آمریکا علیه ایران، حد‌بالایی از تحریم‌ها را اعمال کرده و حتی برخی از تحریم‌ها را به بهانه‌های جدید چندلایه کرده است. طبیعی است که در چنین شرایطی تصمیمات سخت سیاسی لازم داریم. آمریکا به سقف تحریم‌ها علیه ایران رسیده است، ایران نیز به سقف برنامه هسته‌ای رسیده است. در نتیجه با توجه به شرایط اقتصادی و شرایط بین‌المللی، ادامه این روند نه تنها توجیه اقتصادی ندارد، بلکه هیچ توجیه سیاسی و امنیتی در سطح بین‌الملل نیز ندارد. قاسم مجعیلی گفت: اگر ایران مایل باشد از حد فعلی فراتر برود، احتمال دارد ایالات متحده به سمت اقدامات جدی‌تر و حتی گزینه نظامی سوق داده شود. ایران نیز مجبور خواهد شد با تصویر بهره‌بردار نظامی به برنامه هسته‌ای خود ادامه بدهد. وی افزود: بنابراین در این شرایط امکان بازگشت به برجام عملاً برای طرفین مقدور نیست، برجام مرده است.